



Scientific Journal

Journal of Research in Educational Systems

Volume 15, Issue 55,
Pp. 178-186
Winter 2022

Print Issn: 2383-1324

Online Issn: 2783-2341

Indexed by ISC

www.jiera.ir



Journal by
Research in Educational
Science is licensed under a
Creative Commons
Attribution-
NonCommercial 4.0
International License.

Document Type:

Original Article

✉ Corresponding Author:

m.khoshnam.p85@gmail.com

Receive Date: 18 September 2021

Revise Date: 20 November 2021

Accept Date: 25 December 2021

Publish Date: 05 January 2022

How to Site: Khoshnam, M. (2022). Students' Lived Experience of Academic Socialization during the COVID 19. *Journal of Research in Educational Science*, 15(55), 178-186.

[doi: 10.1001.1.23831324.1400.15.55.16.4](https://doi.org/10.1001.1.23831324.1400.15.55.16.4)

Students' Lived Experience of Academic Socialization during the COVID 19*

Mojgan Khoshnam✉

Assistant Professor, Department of Theoretical Studies of Science, Technology and Innovation, National Research Institute For Science Policy, Tehran, Iran

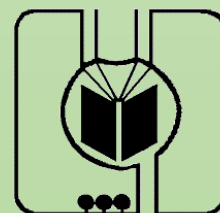
Abstract

The purpose of this study is to describe in depth the lived experience of doctoral students of Tehran, Allameh Tabatabai and Amirkabir universities of their university socialization during the Corona period. Using a qualitative approach and interrogative strategy and theoretical sampling, a semi-structured interview was conducted with 18 doctoral students (in 1399). The information obtained from the interviews was then coded and selected using MAXQDA11 software. 139 open codes, 20 central codes and 5 elective codes including education (5), research (4), interactions of scientific actors (6), daily life (3) and international scientific interactions (2) were extracted. Findings showed that using professors of other universities for teaching, comprehensive virtual exam, lack of skills through the virtual system, learning disabilities, delays in study opportunities abroad, limited access to required resources, limitations Disciplinary and interdisciplinary communication has been the experience of feeling lonely, reducing the opportunity for teaching assistants, reducing the sense of dynamism of students' experiences in the process of academic socialization during the outbreak of Corona virus. The Corona crisis has invalidated previous teaching methods and even some research methods. The need to prevent communities (scientific and non-scientific) has affected communication and communities. Students find the reduction of interdisciplinary and interdisciplinary interactions with other students harmful. On the other hand, the significant increase in conferences, seminars and virtual live due to low cost and the possibility of participation from different parts of the country and the world. Provides interactions between faculty, students, and professionals, and strengthens academic communities.

Keywords:

lived experience, academic socialization, PhD students, Corona

* The present article is taken from the research project entitled " Pathological analysis and provide policy solutions from students' academic socialization" with the support of the national research institute for science policy



نشریه علمی

پژوهش در نظام‌های آموزشی

دوره ۱۵، شماره ۵۵،
ص ۱۷۸-۱۸۶
زمستان ۱۴۰۰

شاپا (چاپی): ۲۳۲۴-۲۳۸۳

شاپا (الکترونیکی): ۲۳۴۱-۲۷۸۳

نمایه در ISC

www.jiera.ir



نشریه علمی
پژوهش در نظام‌های آموزشی تحت قانون
بین‌المللی کپی‌رایت Creative
Commons: BY-NC می‌باشد.

نوع مقاله:

مقاله اصیل پژوهشی

✉ نویسنده مسئول:

m.khosnam.p85@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

استناد به این مقاله: خوشنام، م. (۱۴۰۰). تجربه

زیسته دانشجویان از جامعه‌پذیری دانشگاهی در

دوران شیوع ویروس کووید ۱۹. پژوهش در

نظام‌های آموزشی، ۱۵(۵۵)، ۱۷۸-۱۸۶.

doi: 20.1001.1.23831324.1400.15.55.16.4

تجربه زیسته دانشجویان از جامعه‌پذیری دانشگاهی در دوران شیوع ویروس کووید ۱۹ *

مژگان خوشنام ✉

استادیار، گروه پژوهشی مطالعات نظری علم، فناوری و نوآوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور،
تهران، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر توصیف عمیق از تجربه زیسته دانشجویان دکتری دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی و امیرکبیر از جامعه‌پذیری دانشگاهی خود در دوران کرونا است. با استفاده از رویکرد کیفی و استراتژی استفسامی و نمونه‌گیری نظری، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ دانشجوی دکتری (در سال ۱۳۹۹) انجام شد. سپس اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA11 و روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت ۱۳۹ کد باز، ۲۰ کد محوری و ۵ کد انتخابی شامل آموزش (با ۵ کد محوری)، پژوهش (با ۴ کد محوری)، تعاملات کنشگران علمی (با ۶ کد محوری)، زیست روزمره (با ۳ کد محوری) و تعاملات علمی بین‌المللی (با ۲ کد محوری) استخراج شد. یافته‌ها نشان داد استفاده از اساتید سایر دانشگاه‌ها برای تدریس، امتحان جامع مجازی، عدم کسب مهارت‌ها از طریق سیستم مجازی، افت یادگیری، تأخیر در فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور، دسترسی محدود به منابع موردنیاز، محدودیت ارتباطات رشته‌ای و بین‌رشته‌ای، تجربه احساس تنهایی، کاهش فرصت تدریس یاری اساتید، کاهش حس پویایی از تجربیات دانشجویان در فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی در دوران شیوع ویروس کرونا بوده است. بحران کرونا شیوه‌های پیشین آموزش و حتی برخی شیوه‌های پژوهش را بی‌اعتبار ساخته است. ضرورت جلوگیری از اجتماعات (علمی و غیرعلمی) بر ارتباطات و اجتماعات تأثیرگذار بوده است. دانشجویان کاهش تعاملات رشته‌ای و بین‌رشته‌ای با دیگر دانشجویان را آسیب‌زننده می‌دانند از طرف دیگر، افزایش چشمگیر کنفرانس‌ها، سمینارها و لایوهای مجازی به دلیل کم‌هزینه بودن و امکان مشارکت از نقاط مختلف کشور و دنیا زمینه تعاملات اعضای هیئت علمی، دانشجویان و متخصصین و تقویت اجتماعات علمی را فراهم کرده است. این موارد نشان از تغییر در شیوه‌های جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری در دوران حضور فیزیکی اندک در دانشگاه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی:

تجربه زیسته، جامعه‌پذیری دانشگاهی، دانشجویان دکتری، کرونا

* مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «تحلیل آسیب‌شناسانه و ارائه راهکارهای سیاستی از جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان» با حمایت مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور است.

و هنجارها در این جامعه جدید رخ می دهند (قانعی راد، ۱۳۸۵). جامعه‌پذیری دانشگاهی از دیدگاه موریتا به معنای فرایند مشارکت در کنش‌های استدلالی اجتماع دانشگاهی و تبدیل شدن به اعضای شایسته اجتماع علمی و دانشگاهی تعریف شده است (Cho, 2015).

اندرسون و همکاران جامعه‌پذیری را به‌عنوان یک فرایند دوطرفه گروه‌های تأثیرگذار بر افراد و بالعکس می‌دانند (Carney, 2020). جامعه‌پذیری یک فرایند طولی یادگیری است: رفتارها، کدها، فرایندها، هنجارها و بسیاری از عناصر دیگری که به فرد منتقل می‌شود امکان ورود آن‌ها را به جامعه فراهم می‌کند (Cerqueira-Santos et al., 2020).

دانشجویان دکتری که در دوران کرونا ارتباطات خود را بیشتر به‌صورت مجازی با اساتید راهنما و مشاور برقرار کرده، حضور فیزیکی کم‌رنگ‌تری در گروه آموزشی و با اعضای هیئت علمی داشته‌اند و پژوهش‌های علمی و رساله خود را به گونه دیگری به پیش برده‌اند، می‌توانند جامعه‌پذیری دانشگاهی متفاوتی را تجربه کرده باشند.

مفهوم جامعه‌پذیری دانشگاهی شامل دو جنبه شناختی و عاطفی است. برخی از پژوهشگران (Gardner et al., 2007) دریافته‌اند که جامعه‌پذیری شناختی بیشتر در مراحل اولیه و جامعه‌پذیری عاطفی در مراحل پیشرفته ایجاد می‌شود. جنبه شناختی (دانش و مهارت‌ها) از طریق برنامه‌های درسی و طی مراحل گذران واحدهای درسی و تمرینات علمی دانشجویان دکتری به دست می‌آید که با جامعه‌پذیری رسمی تدارک دیده شده در برنامه‌های رسمی انطباق دارد. جنبه عاطفی جنبه غیررسمی است که از طریق تعامل و ارتباطات دانشجویان با یکدیگر از معیارهای به رسمیت شناخته شده، اما غیرواضح و بیان نشده نقش محقق، به دست می‌آید. مرحله غیررسمی از طریق تعامل دانشجویان با دانشجویان سال‌های بالاتر و اعضای هیئت علمی هدایت می‌شود، در این مرحله دانشجویان تحصیلات تکمیلی به توسعه هویت حرفه‌ای خود می‌پردازند و می‌توانند مهارت‌هایی را به‌عنوان هیئت علمی تجربه کنند (Behar-Horenstein et al., 2016). آنچه در میان دانشمندان جامعه‌پذیری دانشگاهی مورد توافق است این است که در آموزش عالی اشکال جدیدی از ارتباطات شکل می‌گیرد که

کرونا و اثرگذاری آن بر همه‌ی جنبه‌های زندگی بشر، صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی را بر آن داشت تا به شناخت، توصیف و تحلیل این تحولات و ارائه راه‌حلی جهت کاهش آسیب‌ها و جنبه‌های منفی آن بپردازند. حوزه آموزش عالی نیز مانند حوزه‌های دیگر همچون آموزش و پرورش، کسب‌وکار، فرهنگ، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، بهداشت، ارتباطات، علم و فناوری، مدیریت و حتی ریزترین امور زندگی روزمره و تجربه زیسته افراد جامعه متأثر از همه‌گیری این بیماری و طولانی شدن این بحران در جوامع بوده است. اثرات شیوع و همه‌گیری بحران کرونا بر آموزش عالی شامل موارد مثبت و منفی زیادی بوده است. دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی، جامعه و صنایع عمده مشتریان آموزش عالی می‌باشند ولی نظرات دانشجویان به‌عنوان اصلی‌ترین مشتریان می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد (Sirvanci, 2004)؛ بنابراین یکی از راه‌های شناخت این اثرات، توصیف عمیق تجربه زیسته دانشجویان است.

حوزه‌های آموزش عالی که شرایط کرونا بر آن اثر می‌گذارد گسترده است. اگر از منظر کارکردی مورد بررسی قرار گیرد بر هر چهار کارکرد ۱. آموزشی، ۲. پژوهشی، ۳. خدمات تخصصی، ۴. رسالت اجتماعی و عمومی دانشگاه و آموزش عالی تأثیر خواهد گذاشت و اگر سیستمی و با مدل عناصر سازمانی بررسی شود، شرایط کرونایی بر هر پنج عنصر سیستم یعنی نهاده، فرایند، فرآورده، ستانده و پیامد تأثیر خواهد داشت (فراستخواه، ۱۳۹۹).

آموزش عالی به‌عنوان مسئول انتقال سنت‌های فکری، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی از طریق سازوکارهای جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری (میرزایی، ۱۳۹۹) یک نوع جامعه‌پذیری مجدد است. ورود دانشجویان به محیط دانشکده و گروه آموزشی به معنای عضویت در یک اجتماع دانشگاهی^۱ است که ارزش‌ها و هنجارهای خاص و فرهنگ ویژه خود را دارد. دانشجویان در این اجتماع دانشگاهی که از ساختار اجتماعی و فضای فرهنگی ویژه‌ای برخوردار است، مجدداً جامعه‌پذیر می‌شوند، و فرایند درونی‌سازی^۲ و انتقال ارزش‌ها

نیازمند کسب مهارت‌های خواندن، نوشتن علمی و بیان شفاهی علم و تخصص توسط فرد است (Trigos-Carrillo, 2019).
با توجه به توضیحات پیش‌تر گفته شده و با این پیش‌فرض که جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان همانند سایر حوزه‌های آموزش عالی متأثر از شرایط همه‌گیری کرونا، تغییر ارتباطات دانشجویان و اساتید در زمینه‌های مختلف و آموزش‌های مجازی دچار تغییر و تحولات شده است؛ به دنبال پاسخ دادن به این مسئله و دستیابی به توصیف عمیق هستیم که تجربه زیسته دانشجویان مقطع دکتری به‌عنوان محققان فعلی و دانشجویان احتمالی اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌ها از جامعه‌پذیری دانشگاهی در دوران کرونا چه بوده است؟ جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری در دوران همه‌گیری ویروس کرونا در زمینه آموزشی، پژوهشی، زیست‌روزمه و تعاملات بین‌المللی و تعاملات کنشگران علمی چگونه است؟

روش

این پژوهش به اتخاذ رویکرد کیفی و استراتژی استفهامی برای فهم و تفسیر و تحلیل تجربه‌های دانشجویان مقطع دکتری و ادراک ایشان از فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی‌شان در دوره کرونا پرداخته است. استفاده از رویکرد کیفی و ورود به میدان و استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با دانشجویان، پژوهشگر را در دستیابی به فهم آن‌ها از فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی‌شان یاری کرده است. سؤالات مصاحبه با دانشجویان دکتری را پس از مطالعه نظریات جامعه‌پذیری دانشگاهی، براساس چهار مؤلفه‌ی آموزش، پژوهش، تعاملات کنشگران علمی، زیست‌روزمه و تعاملات علمی بین‌المللی دانشجویان دکتری طرح کردیم؛ و پس از اعتباریابی و تأیید توسط دو نفر از صاحب‌نظران این حوزه، به مصاحبه با دانشجویان پرداخته شد.

میدان موردبررسی، دانشجویان مقطع دکتری دانشگاه تهران (به‌عنوان دانشگاه جامع)، دانشگاه علامه طباطبایی (به‌عنوان دانشگاه علوم انسانی) و دانشگاه امیرکبیر (به‌عنوان دانشگاه صنعتی) از رشته‌های گوناگون تحصیلی می‌باشند.

نمونه‌ای با رعایت تنوع از دانشجویان دانشکده‌های مختلف سه دانشگاه انتخاب و از آنجا که اگر تعداد آزمودنی‌ها در نمونه انتخاب‌شده به اندازه کافی نباشد، اعتماد افراد نسبت به یافته‌های تحقیق دچار تزلزل خواهد شد (دلاور، ۱۳۹۳) بنابراین انتخاب نمونه‌ها از میان دانشجویان دکتری را تا آنجا ادامه دادیم که به «اشباع نظری» رسیده و این‌طور به نظر رسید که پاسخ‌های جدید و متنوعی به سؤالات مصاحبه نمی‌دهند و پاسخ‌ها در یک دامنه‌ای تکرار می‌شوند. نمونه‌گیری نظری^۱ متناسب با هدف پژوهش ما به کار می‌رود. نمونه‌گیری نظری در طی مراحل پژوهش توسعه می‌یابد. بدین معنا که پس از انتخاب اولین دانشجو و انجام مصاحبه، به پیاده‌سازی و تحلیل مصاحبه اول پرداخته می‌شود تا روشن شود که مصاحبه بعدی باید با چه دانشجویی انجام شود؛ بنابراین در نمونه‌گیری نظری، نمونه‌ها از پیش قابل‌شناسایی نیستند و در طی مراحل پژوهش مورد شناسایی و سپس مصاحبه قرار می‌گیرند. پس از انتخاب با روش نمونه‌گیری نظری به مصاحبه با ۱۸ دانشجوی دکتری پرداختیم. از هر دانشگاه با ۶ دانشجوی دکتری مصاحبه انجام شد. ۹ دانشجوی مرد و ۹ دانشجوی زن، دامنه‌ی سنی از ۲۶ سال تا ۴۹ سال متغیر بود، ۱۰ دانشجو مجرد و ۸ دانشجو متأهل، ۱۰ دانشجو ساکن شهرستان و ۸ دانشجو ساکن تهران، ۱۳ دانشجو شاغل به‌صورت تمام‌وقت، نیمه‌وقت و پروژه‌ای و ۵ دانشجو غیرشاغل بودند. دانشجویان از رشته‌های مختلف آمار، مهندسی مواد و متالورژی، مهندسی مکانیک، مهندسی معدن، آینده‌پژوهی، مهندسی نساجی، روان‌شناسی، علوم ارتباطات، فلسفه، مطالعات فرانسه، برنامه‌ریزی درسی، مهندسی صنایع، آموزش عالی، علوم ارتباطات، مدیریت دولتی، روان‌شناسی، اقتصاد نفت و گاز و علوم اجتماعی انتخاب شدند. جهت کدگذاری باز، محوری و انتخابی اطلاعات به دست آمده از مشارکت‌کنندگان از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی (MAXQDA ۱۱) استفاده شده است.

یافته‌ها

با هدف دستیابی به ادراک دانشجویان از تجربه جامعه‌پذیری دانشگاهی خود در دانشگاه در ابعاد مختلف، مصاحبه با دانشجویان دکتری انجام شده و کدگذاری اطلاعات به دست

آموزش، پژوهش، تعاملات کنشگران علمی، زیست روزمره و تعاملات علمی بین‌المللی توصیف می‌کنیم.

آمده در قالب مضامین مختلف دسته‌بندی شده است. در ادامه یافته‌های به دست آمده از اظهارات ایشان را در پنج دسته

جدول ۱.

کدهای باز، محوری و انتخابی جامعه‌پذیری دانشجویان در دوران شیوع ویروس کرونا

تعداد کدهای باز	کدهای محوری	کدهای انتخابی
۵	امکان شرکت در کلاس اساتید سایر دانشگاه‌ها به صورت مجازی	آموزش
۶	امتحان جامع مجازی	جامعه‌پذیری
۱۰	عدم کسب مهارت‌ها از طریق سیستم مجازی / افت یادگیری	دانشگاهی دانشجویان
۹	پایین آمدن انگیزه و جذابیت برای شرکت در کلاس‌ها	دکتری در دوران شیوع ویروس کرونا
۱۲	عدم دریافت عمیق مطالب	
۳	کرونا به عنوان موضوع پژوهش، پایان‌نامه و رساله تغییر در میدان پژوهش	پژوهش
۶	محدودیت در فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور	
۷	دسترسی محدود به منابع مورد نیاز پژوهش	
۸	اختلال در پروسه پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها	
۷	دسترسی سخت‌تر به اساتید	تعاملات کنشگران علمی
۶	محدودیت ارتباطات رشته‌ای و بین‌رشته‌ای و فعالیت‌های علمی مشترک	
۴	عدم استفاده برخی اساتید از شبکه‌های اجتماعی	
۱۰	کاهش تعاملات رودررو با دوستان و تجربه احساس تنهایی	
۱۰	تعدد برگزاری کنفرانس‌ها، سمینارها و لایوهای مجازی	
۴	امکان مشارکت علمی متخصصین از نقاط مختلف کشور و دنیا	
۸	از دست دادن حس پویایی به دلیل محدودیت حضور فیزیکی در محیط دانشگاه	زیست روزمره
۸	از دست دادن اسکان در خوابگاه و عدم تمایل به بازگشت به شهرستان	
۴	کاهش حس استقلال دانشجویی	
۹	کاهش استفاده از مزایای علمی و غیرعلمی فرصت مطالعاتی از جمله زیست در دانشگاه کشور دیگر و عضویت در اجتماعات علمی بین‌المللی	تعاملات علمی بین‌المللی
۳	کاهش حضور در کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی	

پژوهش، اختلال در پروسه پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها؛ ۳- تعاملات کنشگران علمی با ۶ کد محوری (دسترسی سخت‌تر به اساتید، محدودیت ارتباطات رشته‌ای و بین‌رشته‌ای و فعالیت‌های علمی مشترک، عدم استفاده برخی اساتید از شبکه‌های اجتماعی، کاهش تعاملات رودررو با دوستان و تجربه احساس تنهایی، تعدد برگزاری کنفرانس‌ها، سمینارها و لایوهای مجازی، امکان مشارکت علمی متخصصین از نقاط مختلف کشور و دنیا)؛ ۴- زیست روزمره با ۳ کد محوری (از دست دادن حس پویایی به دلیل محدودیت حضور فیزیکی در محیط دانشگاه، از دست دادن اسکان در خوابگاه و عدم تمایل

همان‌طور که در جدول (۱) ارائه مشاهده می‌شود، ۱۳۹ کد باز، ۲۰ کد محوری و ۵ کد انتخابی استخراج شده‌اند. کدهای انتخابی و محوری شامل ۱- آموزش با ۵ کد محوری (امکان شرکت در کلاس اساتید سایر دانشگاه‌ها به صورت مجازی، امتحان جامع مجازی، عدم کسب مهارت‌ها از طریق سیستم مجازی افت یادگیری، پایین آمدن انگیزه و جذابیت برای شرکت در کلاس‌ها، عدم دریافت عمیق مطالب)؛ ۲- پژوهش با ۴ کد محوری (کرونا به عنوان موضوع پژوهش، پایان‌نامه و رساله تغییر در میدان پژوهش، محدودیت در فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور، دسترسی محدود به منابع مورد نیاز

دانشجویان برای شرکت در کلاس‌ها، عدم دریافت عمیق مطالب از جمله تغییرات در دیدگاه دانشجویان در حیطه آموزش بوده است و بسیاری از تحولات دیگری که جنبه‌های مثبت و منفی زیادی را در خود جای داده‌اند، اتفاق افتاد.

اولین پیامد مهم شیوع ویروس کرونا، تعلیق فضاهای جمعی و حضوری و الگوهای پیشین نهادهای اجتماعی و علمی بود. تعطیلی دانشگاه‌ها و بخش عمده‌ای از مراکز آموزش عالی جهان، مصداقی از این تعلیق است. دانشگاه در الگوی پیشین شاهد تجمع کنشگران دانشگاهی (استاد، دانشجو و کارمند) در پردیس‌های دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی است. حالا، بحران کرونا همه این مناسبات را برهم زده و شیوه‌های پیشین آموزش و حتی برخی شیوه‌های پژوهش را بی‌اعتبار ساخته است. مجازی شدن بسیاری از فعالیت‌ها و مناسبات علمی و غیرعلمی در میان دانشجویان و اساتید و حضور کم‌رنگ آن‌ها در محیط دانشگاه به دلیل شیوع ویروس کرونا و ضرورت جلوگیری از اجتماعات (علمی و غیرعلمی) بر ارتباطات و اجتماعات تأثیرگذار بوده است. جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان که بخش عمده‌ای از آن مبتنی بر ارتباطات و کنشگری دانشجویان و اساتید است نیز دستخوش این تأثیرپذیری بوده است.

مشارکت و گفتگوی کنشگران علمی در ابعاد مختلف، ارتباطات و مناسبات اساتید با یکدیگر، تعاملات اساتید و دانشجویان از ابعاد بسیار تأثیرگذار در فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری است. فراوانی و کیفیت تعاملات بین دانشجویان و اساتید بر ویژگی‌های شناختی و عاطفی دانشجو اثرگذار است. کنش متقابل مثبت با اساتید موفقیت آکادمیک دانشجویان و پیشرفت تحصیلی ایشان را در پی دارد. در طبقه‌بندی هاگستروم به‌عنوان یکی از اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی علم که به نقش مهم جامعه‌پذیری اشاره دارد، از میان ارتباطات، مناسبات اساتید با دانشجویان اهمیت زیادی دارد زیرا بیشتر رهبران دانش‌محور از طریق دانشجویانشان با رشته خود مرتبط می‌شوند. از منظر تئوری شبکه اجتماعی نیز موارد یادشده تأیید می‌شوند. همچنین مطالعات تعدادی از صاحب‌نظران نشان داده است که جامعه‌پذیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی در حیات دانشگاهی‌شان، قبل از هر چیز

به بازگشت به شهرستان، کاهش حس استقلال دانشجویی؛ ۵- تعاملات علمی بین‌المللی با ۲ کد محوری (کاهش استفاده از مزایای علمی و غیرعلمی فرصت مطالعاتی از جمله زیست در دانشگاه کشور دیگر و عضویت در اجتماعات علمی بین‌المللی، کاهش حضور در کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی) است. در ادامه به‌صورت تفصیلی به توصیف تجزیه و تحلیل کدهای استخراج شده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته پرداخته شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های شناخت میزان کارایی دانشگاه و رسیدن به یکی از مهم‌ترین اهداف خود که تربیت انسان دانشگاهی با انگیزه تحصیلی بالا است، بررسی نحوه جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری است. دانشجویان دکتری به‌عنوان افرادی که در آینده نزدیک، مشغول به کار و تأثیرگذار در نظام آموزشی، پژوهشی و صنعتی خواهند بود، ادراکی را نسبت به تجربه زیسته خود در مقطع دکتری و فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی خود دارند که دستیابی به این ادراک نیازمند مطالعه علمی و مصاحبه عمیق با دانشجویان است. پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به این سؤال که جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان مقطع دکتری در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی و امیرکبیر در دوره کرونا چگونه بوده است به مصاحبه با ۱۸ دانشجوی مقطع دکتری از رشته‌های مختلف تحصیلی پرداخته است.

شیوع گسترده ویروس کرونا و الزام به حفظ فاصله میان افراد، ارتباطات را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد، بسیاری از امور از جمله آموزش را ناگزیر به‌صورت مجازی و آنلاین درآورد، ارتباطات رویاروی را به ارتباطات مجازی مبدل کرد، اساتید و معلمان را ناگزیر به یادگیری شیوه‌های جدید آموزش، پژوهش و ارتباط با دانشجویان و همکاران واداشت، مدیران دانشگاهی را به تکاپوی به‌روز کردن و مجازی کردن ارائه خدمات به دانشجویان انداخت، استفاده از اساتید مطرح سایر دانشگاه‌ها برای تدریس به‌صورت مجازی را میسر کرد که در صورت حضوری بودن کلاس‌ها محقق نمی‌شد. امتحان جامع مجازی، افت یادگیری، پایین آمدن انگیزه و جذابیت برخی از

گروه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی و با تمام علایق و نیازهایش در دانشگاه به کنشگری می‌پردازد. همان‌طور که در نظریه زیست جهان وتس مطرح می‌شود زیست جهان علم، قدرت حیاتی خود را از طریق گفت‌وگوی روزانه اهل دانش بازسازی و بازتولید می‌کند. بسیاری از محققان نیز معتقد هستند که دانشگاه تنها محل آموزش، تولید علم و فناوری و صرفاً یک سازمان مادی نیست. امروزه رسالت اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاه برای تربیت شهروند خوب مورد تأکید است.

بر اساس فلسفه آموزش عالی، آماده‌سازی دانشجویان برای زندگی جمعی و پرورش شهروندان مسئول و خودانگیز، از خدمات اجتماعی دانشگاه‌هاست. Behar-Horenstein (۲۰۱۶) این بخش از جامعه‌پذیری غیررسمی دانشجویان دکتری که شامل تعامل با سایر دانشجویان و اعضای هیئت علمی است را عامل مهمی برای توسعه هویت حرفه‌ای دانشجویان می‌داند. زیست روزمره دانشجویان دکتری به‌عنوان بخشی از جامعه‌پذیری غیررسمی (عاطفی) ایشان، متناسب با تاکتیک مطلوبیت اجتماعی جامعه‌پذیری است که در این تاکتیک کنشگران علمی خود را برای رویه‌های سیاسی و اجتماعی آماده می‌کنند، افراد وقت بیشتری را در دانشگاه می‌گذرانند، در گروه‌های سیاسی و اجتماعی دانشگاه عضو می‌شوند و روابط اجتماعی خود را با بیشتر افراد افزایش می‌دهند؛ معیار موفقیت این گروه از کنشگران علمی افزایش سرمایه اجتماعی دانشگاهی به تعبیر بورديو است؛ اما آنچه از ادراک دانشجویان دکتری مورد بررسی در پژوهش حاضر به دست آمده است، محدودیت فعالیت دانشجویان در گروه‌های سیاسی و اجتماعی دانشگاه و گسترش روابط خود و یادگیری جامعه‌پذیری غیررسمی در قالب این گروه‌های دانشجویی، از دست دادن حس پویایی دانشجویی به دلیل محدودیت حضور فیزیکی در محیط دانشگاه و عدم دریافت این حس در کلاس‌های مجازی، همچنین از دست رفتن حس استقلال دانشجویی به دلیل ماندن در منزل و عدم اسکان در خوابگاه و محدود شدن رفت‌وآمد به دانشگاه بوده است.

بسیاری از دانشجویان دکتری یکی از مسیرهای دستیابی به مهارت‌ها و آمادگی برای شغل آینده را تدریس و یا پژوهش

در بستر و زمینه گروه آموزشی‌شان در دانشگاه صورت می‌پذیرد و در این فرایند، اعضای هیئت علمی نقش اساسی دارند (Austin et al., 2009؛ Gardner, 2010؛ Rourke, 2012). با تمام اهمیتی که اندیشمندان به تعاملات کنشگران علمی در دانشگاه می‌دهند، دانشجویان تجربیات متفاوتی از تعامل با اساتید، دانشجویان دیگر و تعاملات بین‌رشته‌ای در دوران همه‌گیری کرونا را بیان می‌کنند.

دانشجویان دکتری علی‌رغم اهمیتی که به تعاملات بین‌رشته‌ای خود با دیگر دانشجویان و تأثیر این نوع کنش‌ها بر جامعه‌پذیری دانشگاهی خود می‌دهند، کاهش و محدود شدن ارتباطات رشته‌ای و بین‌رشته‌ای و فعالیت‌های علمی مشترک و کاهش تعاملات رودررو با دوستان در این دوران را ناخوشایند و آسیب‌زننده می‌دانند. تعاملات همکارانه بین دانشجویان، سبب بهره‌وری بالاتر، تولید بیشتر اندیشه‌ها و انتقال آموخته‌ها، ایجاد روابط مثبت و مسئولیت‌پذیری بین افراد، سلامتی روان‌شناختی و شایستگی اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس و خودسامانی آن‌ها می‌شود. دسترسی سخت‌تر به اساتید و عدم استفاده برخی اساتید از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی جهت تقویت روابط با دانشجویان در دوران کرونا و تجربه احساس تنهایی توسط دانشجویان از جمله دلایل تضعیف اجتماعات علمی در دوران کرونا توسط دانشجویان دکتری بوده است. از طرف دیگر، افزایش چشمگیر کنفرانس‌ها، سمینارها و لایوهای مجازی به دلیل کم‌هزینه بودن برگزاری این‌گونه برنامه‌ها و امکان مشارکت متخصصین از نقاط مختلف کشور و دنیا زمینه تعاملات کنشگران علمی اعم از اعضای هیئت علمی، دانشجویان و متخصصین و تقویت اجتماعات علمی را فراهم کرده است که می‌تواند تا حدی جایگزین محدودیت‌های تعاملات رودررو در این دوران باشد.

تجربه دانشجویان در زیست روزمره بسان دانشجوی تحصیلات تکمیلی در فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی ایشان و دستیابی دانشگاه به یکی از اصلی‌ترین اهداف خود یعنی تربیت انسان دانشگاهی بسیار مؤثر است. دانشجو تنها به خاطر نیاز به یادگیری علمی در دانشگاه حضور ندارد بلکه با تمام نیازهای اجتماعی‌اش از تعامل با دیگران، عضویت در

خود، توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی، یادگیری مهارت‌های پژوهشی، افزایش اعتمادبه‌نفس در حیطه تخصصی خود، یادگیری شیوه مدیریت کلاس، مدیریت زمان، یادگیری نحوه تدریس و تعامل. بسیاری از دانشجویان دکتری خصوصاً در رشته‌های علوم انسانی، خود را محروم از دستگیری آموزشی و پژوهشی اساتید و برخورداری از مزایای این فرصت می‌دانند. دانشجویان رشته‌های فنی-مهندسی به میزان بیشتری از فرصت دستگیری تدریس و پژوهش اساتید خود برخوردار هستند اما در دوره شیوع ویروس کرونا خود را به میزان کمتر و محدودتری برخوردار از مزایای دستگیری می‌دانند. از طرف دیگر، تعدادی از دانشجویان دکتری بیان می‌کنند که اساتید خصوصاً اساتید با سن بالاتر و گاهی دارای مهارت کمتر در فضای آموزشی مجازی، نیاز بیشتری برای داشتن دستیار را در این دوران احساس می‌کنند.

محدود شدن، تأخیر و گاهی قطع کامل فرصت مطالعاتی خارج از کشور برای دانشجویان دکتری و استفاده از مزایای علمی و غیرعلمی آن از جمله زیست در دانشگاه کشور دیگر و کسب تجربیاتی از شرکت در اجتماعات علمی و تعاملات با دانشجویان و اساتید، سبب احساس ناخرسندی تعداد زیادی از دانشجویان دکتری شده است. همچنین امکان شرکت حضوری در کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی برای دانشجویان به شدت کاهش یافته است و در برخی موارد انتظار آن‌ها از شرکت به صورت مجازی تأمین نمی‌شود. با توجه به اینکه تعاملات بین‌المللی بخش بسیار مهمی از جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان خصوصاً در دوره تحصیلات تکمیلی و مقطع دکتری است، شیوع ویروس کرونا این بخش از جامعه‌پذیری دانشگاهی را با محدودیت زیادی روبرو کرده است.

از محدودیت‌های پژوهش این است که یافته‌ها قابلیت تعمیم به تمام دانشجویان را ندارد. با توجه به یافته‌های پژوهش، پژوهش در حوزه جامعه‌پذیری دانشگاهی اعضای هیئت‌علمی (آموزشی و پژوهشی) در دوران شیوع ویروس کرونا و تجربه زیسته اساتید در این زمینه و نیز تجربه زیسته دانشجویان جدیدالورود مقطع کارشناسی (به‌عنوان دانشجویانی که از ابتدای شیوع کرونا فعالیت‌های آموزشی

در کنار اساتید خود ذکر می‌کنند. تجربه دستگیری اساتید فرصت‌هایی را برای دانشجویان دکتری در جهت شناسایی مسیرهای شغلی فراهم می‌کند و در معرض تجربیاتی قرار می‌گیرند که شبیه شغل واقعی است درحالی‌که هنوز به متخصص، دانش و تجربیات اساتید دسترسی دارند. در صورتی که دانشجویان معتقدند این فرصت کمتر برای ایشان فراهم است. البته بالفعل کردن این مهارت‌ها و استفاده از آن تا حدود زیادی به احساس دانشجوی نسبت به توانایی خود در انجام پژوهش یا به عبارتی احساس خودکارآمدی پژوهشی وی مربوط است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸)

همان‌طور که Menand (2011) با بررسی اهداف مختلف آموزش عالی، مدعی است که محوریت آموزش عالی باید بر مشاغل حرفه‌ای متمرکز باشد و به‌طور خاص به‌گونه‌ای طراحی شود که دانشجویان را در راستای شغل، آموزش داده و تجهیز کند؛ با توجه به اینکه اقتصادهای پیشرفته، تقاضای دانش و مهارت‌های تخصصی هستند و با توجه به اینکه هدف دبیرستان یادگیری عمومی است، دانشگاه (نهادهای آموزش عالی) جایی است که افراد می‌توانند آنچه را که برای ورود به یک حرفه نیاز دارند، بیاموزند.

با توجه به اینکه دورنمای ذهنی بسیاری از دانشجویان دکتری مشارکت‌کننده در این پژوهش برای آینده کاری خود و ورود به بازار کار، ورود به حیطه تحقیقاتی و پژوهشی و همچنین اشتغال به‌عنوان عضو هیئت‌علمی بوده است و ورود به هر کدام از این شغل‌ها الزامات و مهارت‌هایی را می‌طلبد که نیاز است دانشجویان کسب کنند. یادگیری مهارت‌های لازم برای عملکرد حرفه‌ای اثربخش دانشجویان ضروری است. همان‌طور که (Ibrahim et al., 2012) اشاره می‌کنند که دانشجویان تحصیلات تکمیلی حتی در خصوص شیوه نگارش یک پژوهش علمی در رشته تخصصی خود در فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی باید آموزش ببینند. دستیابی به بسیاری از مهارت‌ها از طریق فرصت دستگیری پژوهشی و آموزشی اساتید محقق می‌شود. دانشجویان استفاده از این فرصت‌ها را دارای مزایایی برای خود می‌دانند از جمله کسب تجربه آموزش، انگیزه برای مطالعه منابع بیشتر و به‌روزتر رشته تحصیلی جهت توضیح به دانشجویان، تقویت رزومه تحصیلی

تشویق اعضای هیئت علمی به به کارگیری دانشجویان به عنوان دستیاران آموزشی و پژوهشی جهت تقویت مهارت های آموزشی، پژوهشی، تعاملی و سایر مهارت ها اشاره کرد.

- Cerqueira-Santos, E., de Santana, M. V. M., & de Miranda Ramos, M. (2020). Trajectories of Development and Socialization of Trans Brazilian Youth through Self-Portraits. *Frontiers in Psychology, 11*.
- Cho, H. (2015) "Formal and Informal Academic Language", *International Journal of Bilingual Education and Bilingualism*, <http://www.tandfonline.com/loi/rbeb> 20: 1- 21.
- Gardner, S. (2010). Faculty Perspectives on Doctoral Student Socialization in Five Disciplines, *International Journal of Doctoral Studies*, Volume 5, 39-53.
- Ibrahim, N., & Nambiar, R. M. (2012). Scaffoldings in academic writing: The role of intercultural rhetoric and genre analysis in academic socialization. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 59, 438-442.
- Rourke, L., & Kanuka, H. (2012). Socialization in online doctorates: Academic socialization in an online residency program. *Journal of Distance Education*, 26(1).
- Trigos-Carrillo, L. (2019). A Critical Sociocultural Perspective on Academic Literacies in Latin America. *Íkala, Revista de Lenguaje y Cultura*, 24(1), 13-26.
- Bahman, S., Faraskhah, M., Marjaei, H. (2016). A Study of Factors Affecting the Professional Identity of PhD Students in Social Sciences of Tehran State Universities, PhD Thesis: Higher Education Research and Planning Institute.
- Hassanzadeh Samarin, T. (1399). Assessing and evaluating the educational quality of Payame Noor University, Talesh Center, *Quarterly Journal of Research in Educational Systems*, Volume 14, Number 48, pp. 41-57.
- Faraskhah, M. (1399). What new virtues does higher education and university produce in a crunched world?, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.
- Heydari, i., Agriculture, F., Marzooqi, R. (1398). Investigating the Relationships between University Research Culture and Research Self-Efficacy of Graduate Students: The Mediating Role of Scientific Writing Capability, *Quarterly Journal of Research in Educational Systems*, Volume 13, Number 47, pp. 7-21.
- Qanei Rad, M. (1385). Interactions and communication in the scientific community, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.
- Mirzaei, H. (1399). Essays in Higher Education, Science and the Corona Crisis in Iran, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.

خود را به صورت کاملاً مجازی ادامه دادند) از جامعه پذیری دانشگاهی پیشنهاد می شود. از جمله پیشنهادهای کاربردی نیز می توان به برگزاری دوره های آموزشی کوتاه و مفید برای اعضای هیئت علمی در زمینه استفاده از شبکه های اجتماعی؛ و

منابع

- حسنزاده ثمرین، ت. (۱۳۹۹). بررسی و ارزیابی میزان کیفیت آموزشی دانشگاه پیام نور مرکز تالش. *فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی*، ۴۸، ۵۷-۴۱.
- حیدری، ا.، کشاورزی، ف؛ و مرزوقی، ر. (۱۳۹۸). بررسی روابط بین فرهنگ پژوهشی دانشگاه و خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی: نقش واسطه گری توانمندی نگارش علمی. *فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی*، ۴۷، ۲۱-۷.
- فراستخواه، م. (۱۳۹۹). آموزش عالی و دانشگاه در جهانی کرونزده، چه فضیلت های تازه ای تولید می کند؟، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قانعی راد، م. (۱۳۸۵). تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- میرزایی، ح. (۱۳۹۹). جستارهایی در آموزش عالی، علم و بحران کرونا در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

References

- Austin, Ann E. (2002). "Preparing the Next Generation to the Academic Career"; the Gourd of Higher Education, Vol. 73, No. 1 (January/February).
- Austin, A., Campa, H.; Pfund, C., Gillian-Daniel, D., Mathieu, R., & Stoddart, J. (2009). Preparing STEM doctoral students for future faculty careers. *New Directions for Teaching and Learning*, 117, 83-95
- Behar-Horenstein, L. S., Isaac, N., Southwell, C. N., Hudson-Vassell, M. E., Niu, L., Pratto, M., ... & Zafar, M. A. (2016). Promoting Academic Socialization through Service Learning Experiences. *International Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, 28(2), 158-167
- Carney-Nedelman, D. K. (2020). Acronym Usage in Groups: The Relationship of Socialization and Identification. *Pursuit-The Journal of Undergraduate Research at the University of Tennessee*, 10(1), 3.